حادثه‌ها

قتل طلافروش در سرقت ناموفق

● سرقت مسلحانه‌ای از طلافروشی در مشهد به مرگ طلافروش ختم شد. به گزارش ایرنا، این سرقت صبح دیروز از یک طلافروشی در ۳۰ متری طلاب رخ داد و در پی آن طلافروش به قتل رسید. سارق پس از قتل و بدون به سرقت‌بردن طلا از محل متواری شد. جانشین رئیس پلیس آگاهی خراسان‌رضوی گفت: تیم دایره جنایی پلیس آگاهی پس از اطلاع از این سرقت به محل اعزام شد و در حال بررسی سرقت است. سرهنگ حمید رزمخواه افزود: هرگونه اظهارنظر درباره سرقت مسلحانه پس از اعمال نظر مقام قضائی صورت خواهد گرفت.

شناسایی سارقان آرایشگاه‌های زنانه

● معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خوزستان از شناسایی دو سارق آرایشگاه‌های زنانه شهرستان اهواز خبر داد. سرهنگ سیدرحمان موسوی اظهار کرد: دو سارق سه‌شنبه‌شب پس از ورود به سه آرایشگاه زنانه در منطقه پاداد شهر اهواز، اموال بانوان حاضر در این آرایشگاه‌ها را به سرقت بردند. وی افزود: پس از اعلام موضوع به پلیس ۱۱۰ بلافاصله پلیس وارد عمل شد و با به‌کارگیری شگردهای خاص پلیسی از ادامه سرقت‌های آنان در دیگر آرایشگاه‌های زنانه شهرستان جلوگیری شد. وی گفت: در این راستا پلیس شهرستان اهواز تمامی آرایشگاه‌های زنانه را رصد کرد که در این بین معلوم شد دو سارق قصد سرقت از یک آرایشگاه زنانه دیگر را در این منطقه دارند. وی افزود: پلیس بلافاصله برای دستگیری آنان وارد عمل شد، اما سارقان پس از متوجه‌شدن حضور آنان با استفاده از یک دستگاه پژو پارس سفید و بهره‌گیری از تاریکی شب متواری و با رهاکردن خودروی خود در اطراف نیزارهای پیرامون شهر اهواز در منطقه کوت عبدالله موفق به فرار شدند. وی گفت: پس از بررسی‌های انجام‌شده هویت سارقان مشخص شد که با هماهنگی مقامات قضائی به‌زودی دستگیر خواهند شد. سرهنگ موسوی اضافه کرد: تمامی اموال مسروقه از مال‌باختگان توسط سارقان در داخل خودرو جا گذاشته شد که خوشبختانه در اختیار پلیس قرار دارد و به‌زودی به مال‌باختگان بازگردانده می‌شود. وی تاکید کرد: دو سارق که سابقه سرقت هم دارند ساکن یکی از شهرستان‌های همجوار اهواز هستند و خودروی مکشوفه نیز به آنان تعلق دارد.

خودکشی دانش آموز کلاس ششم ابتدایی

● دانش‌آموز کلاس ششم ابتدایی یکی از مدارس اشنویه با بستن طناب به لوله گاز، خود را حلق‌آویز کرد. هویت این نوجوان ۱۱ساله، «ه- ق» از ساکنان محله تاج‌الدین عنوان شده است. اقدام همسایگان در انتقال وی به مراکز درمانی بی‌نتیجه مانده و جسد به سردخانه پزشکی قانونی انتقال یافته است. تاکنون از انگیزه و علت اقدام به خودکُشی «ه-ق» گزارشی در دسترس نیست، اما برخی منابع از تهدیدات قبلی این دانش‌آموز مبنی بر پایان‌دادن به زندگی‌اش خبر می‌دهند. پیش‌تر نیز جوانی ۱۸ساله در همین محله اشنویه خودکشی کرده بود

جاعلان اسناد دولتی دستگیر شدند

● مأموران پلیس آگاهی شهرستان «کازرون» استان فارس، افرادی را که با جعل گواهی پزشکی قانونی اقدام به کلاهبرداری می‌کردند، شناسایی و دستگیر کردند. فرمانده انتظامی شهرستان «کازرون» گفت: مأموران پلیس آگاهی پس از وصول پرونده‌ای مبنی بر اینکه فردی با جعل گواهی پزشکی قانونی اقدام به کلاهبرداری از یک شرکت بیمه در شهرستان «کازرون» کرده است، شناسایی و دستگیری این فرد جاعل را در دستور کار خود قرار دادند. سرهنگ «مهرداد مشوق» ادامه داد: با انجام اقدامات اطلاعاتی مأموران این فرد جاعل را شناسایی و وی را در منزلش دستگیر کردند. وی بیان کرد: در تحقیقات انجام‌شده از متهم مشخص شد وی با همدستی دو نفر دیگر اقدام به جعل اسناد دولتی و کلاهبرداری از یک شرکت بیمه می‌کردند که هر دو همدست وی نیز توسط مأموران دستگیر شدند. فرمانده انتظامی شهرستان «کازرون» گفت: هر سه متهم دستگیرشده در تحقیقات به جرم خود مبنی بر کلاهبرداری از آن شرکت اقرار کردند و پس از تشکیل پرونده به مقام قضائی معرفی شدند.

دستگیری کلاهبرداران ۲ میلیارد ریالی

● اعضای باند کلاهبرداران دو میلیارد ریالی در اصفهان دستگیر شدند. رئیس‌پلیس آگاهی استان اصفهان گفت: در پی شکایت تعدادی از متصدیان صنفی مبنی بر کلاهبرداری گروهی از آنها، موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. سرهنگ خسروی افزود: مأموران پس از تحقیقات، اعضای باند حرفه‌ای هشت نفره‌ای را دستگیر کردند که با صدور چک‌های جعلی و خرید اجناس از صنف‌های گوناگون بیش از دو میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بودند. وی با اشاره به اینکه این افراد در بازجویی به کلاهبرداری از ۲۰ نفر اعتراف کردند، گفت: تاکنون ۲۱ فقره چک جعلی از این باند کشف و ضبط شده است. پرونده این کلاهبرداران به مراجع قضائی ارجاع شد.

گفت‌وگو با مردی که اعضای بدن فرزندش را اهدا کرد

پسرم هنوز زنده است

شرق: احمد جمال‌سیرت، جوانی ۲۲ ساله بود که نامش به‌عنوان نوزدهمین فردی که امسال اعضای بدنش در استان کهگیلویه‌وبویراحمد اهدا شد، به ثبت رسیده است. ساسان عباسی، مسئول هماهنگ‌کننده پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه‌وبویراحمد، با اعلام این خبر به «شرق» گفت: «این جوان در پی یک حادثه رانندگی دچار عارضه مغزی و به دنبال آن مرگ مغزی شد. پس از آن با پیشنهاد واحد پیوند اعضا و رضایت خانواده آن مرحوم دو کلیه، کبد، پانکراس و قرنیه‌های او در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج از بدنش جدا شد و به بیمارستان نمازی شیراز انتقال یافت تا به بیماران نیازمند اهدا شود». پدر احمد جمال‌سیرت، فائز نام دارد. او ۹ سال از ۴۸ سال عمر خود را در اسارت رژیم بعث عراق گذرانده است، اما یک شب از شب‌های نبودن فرزندش را با کل دوران اسارت قابل مقایسه نمی‌داند. او در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره حادثه مرگ‌بار و تصمیم برای اهدای اعضای بدن پسرش می‌گوید:

ماجرای منجر به مرگ مغزی فرزندتان چطور اتفاق افتاد؟

شب حادثه من خانه نبودم. همسرم می‌گوید آن شب حدود ساعت ۹ برق‌ها را خاموش کرده و لباس راحتی پوشیده بودند و کم‌کم برای خواب آماده می‌شدند که احمد برق‌ها را روشن کرده و به مادرش گفته است من می‌روم و نیم ساعت دیگر برمی‌گردم. اما نه‌تنها پسرمان به خانه نیامد، بلکه بعد از آن دیگر از او خبر نداشتیم و هرچه به گوشی تلفن همراهش زنگ می‌زدیم در دسترس نبود تا اینکه حدود ساعت ۱۱:۳۰ یک نفر گوشی او را جواب داد و گفت چه اتفاقی افتاده است. بعد ما به محل حادثه رفتیم.

چه اتفاقی برای پسرتان افتاده بود؟

دقیق نمی‌دانیم، اما براساس حدسیات فکر می‌کنیم او برای دیدن دوستانش یا برای هواخوری به پارک جنگلی یاسوج رفته بود و به احتمال زیاد در راه برگشت آن اتفاق برایش افتاد. در پارک جنگلی یاسوج یک تانک نمادین روی تپه‌ای بلند گذاشته‌اند که پسرم از آنجا به ته دره سقوط کرده و ماشین او چیزی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر به دره افتاده بود و پنج شش درخت را هم شکسته بود.

آیا مشخص شده چرا خودروی پسرتان به دره سقوط کرد؟

ماشینی که احمد سوار آن بود ام.وی.ام ۳۱۵ بود و کارشناسان بعد از بررسی صحنه حادثه گفتند با توجه به شواهد به نظر می‌رسد ماشین پارک بوده و در حال روشن‌کردن ماشین این اتفاق افتاده و در واقع کنترل ماشین از دست احمد خارج شده و به ته دره سقوط کرده است.

چه کسی اول از همه متوجه ماجرا شد؟

ظاهرا افراد دیگری که آن وقت شب به آنجا رفته بودند، متوجه موضوع شده و اورژانس را خبر کرده بودند. در پی سقوط چند جای بدن احمد زخم شده، پا و دنده او شکسته بود و در نهایت هم به خاطر صدمات ناشی از حادثه دچار ایست قلبی شد. به سرش هم ضربه خورده بود که باعث ضربه مغزی او شد و به خاطر ایست قلبی به مغزش هم اکسیژن نرسید که در نهایت منجر به کما شد. البته پس از حضور تیم امداد اورژانس، اقدامات لازم برای احیای او انجام شد و موفق شده بودند قلب او را برگردانند، اما چون مغز عضو بسیار حساسی است، فقط چند ثانیه نرسیدن اکسیژن به آن کافی است تا صدمات جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشد.

چه شد که تصمیم به اهدای عضو گرفتید؟

بعد از این اتفاقات احمد دو روز در کما بود و ما راز و نیاز و دعا می‌کردیم که او زنده بماند، اما وقتی دیدیم که او ماندنی نیست، تصمیم به اهدای اعضا گرفتیم چون می‌دانستیم انسان‌های نیازمندی زیادی هستند که با اعضای پسر ما زندگی‌شان بهتر خواهد شد. بنابراین برای رضای خدا دو کلیه، کبد، پانکراس و قرنیه‌های او را اهدا کردیم.

شما چند فرزند دارید؟

من سه پسر و یک دختر داشتم و احمد پسر بزرگ من بود که پارسال ازدواج کرده و دانشجوی کارشناسی تربیت‌بدنی دانشگاه شیراز بود.

چگونه با سیستم اهدای عضو آشنا شدید؟

من جانباز ۳۵ درصد هستم و ۹ سال هم اسیر بودم. وقتی بازنشست شدم کارمند دانشگاه علوم پزشکی بودم و از محیط کارم با موضوع آشنایی داشتم. وقتی دیدیم احمد وضع خوبی ندارد برای خدا و در اقدامی بشردوستانه اعضای بدن او را اهدا کردیم. البته من پیش خودم به چنین چیزی فکر کرده بودم که خودم اعضای بدنم را اهدا کنم.

با خود احمد هم دراین‌باره صحبت کرده بودید؟

راستش نه، چون پسر جوان، رعنا و خوش سیرت و خوش قلبی بود و اصلا انتظار چنین اتفاقی را برای او نداشتیم، اما چون من با روحیه او آشنا و با او رفیق بودم، برای همین این تصمیم را گرفتم. مراسم ختمش آن‌قدر شلوغ بود که من فرصت پاسخ‌دادن به افرادی را که برای تسلیت آمده بودند نداشتم.

آیا در خانواده شما فرد دیگری هم برای اهدای عضو داوطلب شده است؟

خودم در فکر این کار بودم.

اطرافیان و دوستان و نزدیکان شما وقتی از تصمیم شما مطلع شدند چه گفتند؟

حقیقت این است که همه استقبال کردند. من خودم جلسه‌ای تشکیل دادم و همه را دعوت کردم و گفتم که چنین تصمیمی دارم و هزینه‌ای دریافت نکرده‌ام و فقط به خاطر انسانیت امانتی را که خدا به دست ما داده بود، پس دادیم. این را هم باید بگویم که این اولین‌باری بود که یکی از اعضای ایل بابکانی اهدای عضو می‌کند و بعد از این امیدوارم چنین اقدامی را بیشتر ببینیم.

توصیه شما به افرادی که ممکن است شرایطی مشابه شما برایشان پیش بیاید چیست؟

توصیه می‌کنم آنها هم همین کار را انجام دهند البته بگویم که من علاقه‌ای نداشتم که موضوع رسانه‌ای شود؛ چون معتقدم این کار را برای خدا انجام داده‌ام، اما قبول کردم رسانه‌ای شود تا هم‌وطنان و دوستان ببینند تا آنها هم در موقعیتی مشابه ایثار و گذشت و اقدام وطن‌دوستانه را انجام دهند تا جان انسانی نجات پیدا کند.

الان که این کار را کرده‌اید چه احساسی دارید؟

احساس غرور و شادی دارم و حس می‌کنم پسرم زنده است، چون کسی که کلیه و کبد پسرم به او پیوند شده زنده است، من ۹ سال اسیر رژیم بعث عراق بودم و از وقتی که پسرم را از دست داده‌ام هر شبش سخت‌تر از تمام آن ۹ سال برای من سپری می‌شود.

محاکمه متهم جنایت در شهرک غرب

شرق: پسر جوانی که در پاساژ گلستان شهرک‌غرب، در یک درگیری دست به قتل زده بود، در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. مأموران پلیس روز دوم بهمن سال ۹۲ در جریان وقوع درگیری خونین در مرکز خرید گلستان شهرک‌غرب قرار گرفتند و با حضور در محل حادثه به تحقیق دراین‌باره پرداختند. با حضور مأموران در محل و انجام بررسی‌های نخست مشخص شد درگیری میان دو گروه از جوانان انجام شده که پس از این درگیری نوجوان ۱۶ساله‌ای بر اثر اصابت ضربات چاقو مجروح و به بیمارستان منتقل شده است. همچنین پسر دیگری نیز با ضربه چاقو به صورت سطحی مجروح شده بود. هم‌زمان با دستگیری افراد حاضر در درگیری، از بیمارستان خبر رسید با وجود انجام اقدامات درمانی، پسر ۱۶ساله به علت ضربه چاقو، خون‌ریزی کرده و پس از مرگ مغزی جان خود را از دست داده است. با آغاز رسیدگی به پرونده، یکی از متهمان به‌عنوان ضارب شناسایی شد و تحت بازجویی قرار گرفت. این پسر که در اظهارات اولیه خود منکر حمل و استفاده از چاقو بود، در ادامه تحقیقات لب به اعتراف گشود و گفت: روز حادثه به همراه دو نفر از دوستانم در داخل مجتمع تجاری گلستان، روی سکوی حوض داخل پاساژ نشسته بودیم که چند جوان از مقابل ما عبور کردند. یکی از آنها برگشت و به ما گفت: «چرا نگاه می‌کنید؟» که از آنها خواستیم بروند ولی آنها درگیری را ادامه دادند. وی افزود: از آنجا که تعداد آنها بسیار بیشتر از ما بود، من چاقو را بیرون کشیدم و ابتدا ضربه‌ای به سمت یکی از آنها پرتاب کردم. درحالی‌که بسیار ترسیده بودم و قصد داشتم از محل درگیری فرار کنم، ضربه‌ای دیگر را به سمت مقتول پرتاب کردم. در همین زمان مأموران ما را دستگیر کردند. وی در ادامه صحبت‌هایش گفت: چاقو، هدیه یکی از دوستانم است که چند سال پیش به من داده بود و در این مدت آن را در خانه نگهداری می‌کردم. شب حادثه، تازه از باشگاه به خانه آمده و ساک ورزشی را در داخل اتاق گذاشته بودم که متوجه چاقویی شدم که از پشت پشتی مشخص بود. از آنجایی که پدر و مادرم مخالف نگه‌داشتن چنین وسایلی هستند، تصمیم گرفتم محل چاقو را تغییر دهم به همین علت چاقو را برداشتم. با اعتراف متهم، پرونده وی برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم به همراه دو همدستش در این شعبه محاکمه شدند. در این جلسه مادر و پدر مقتول شکایت خود را مطرح کرده و خواستار مجازات متهم اصلی شدند.متهم نیز با ابراز پشیمانی قتل را قبول و اظهارات قبلی خود را تکرار کرد. در پایان جلسه نیز هیأت قضائی وارد شور شدند تا حکم نهایی درباره این پرونده را صادر کنند.

رخداد

سرما بلای جان زلزله‌زدگان افغان و پاکستانی

● نیروهای امدادونجات حاضر در مناطق زلزله‌زده افغانستان و پاکستان هشدار دادند افراد بی‌خانمان بر اثر وقوع زلزله به دلیل نبود امکانات و کمک‌رسانی مناسب، جان خود را از دست می‌دهند. به گفته نیروهای امدادونجات در مناطق زلزله‌زده، نیاز فوری به چادر و پتو وجود دارد، چراکه بسیاری از زلزله‌زدگان چند شب را در فضاهای باز و سرد گذراندند. همچنین در این شرایط بیشترین خطر متوجه کودکان است که مقاومت بسیار پایینی در برابر سرمای شدید دارند. رسانه‌های داخلی پاکستان گزارش کردند هزاران نفر شب را در فضاهای باز و نزدیک به دمای انجماد به‌سر بردند و ترس از وقوع پس‌لرزه مانع از آن می‌شد که به ساختمان‌ها و مکان‌های سرپوشیده پناه ببرند. تاکنون کشته‌شدن دست‌کم ۳۶۰ نفر بر اثر وقوع زلزله در افغانستان و پاکستان تأیید شده اما مقامات این دو کشور هشدار دادند احتمال افزایش قربانیان به‌ویژه در افغانستان وجود دارد. صندوق حمایت از کودکان ملل متحد نیز اعلام کرد: همراه‌شدن سرمای شدید و ناامنی در مناطق زلزله‌زده موجب قطع ارتباطات شده است. همچنین بارش شدید باران و برف، مناطق زلزله‌زده کوهستانی و دور از دسترس را دربر گرفته است. در گزارش یونیسف آمده است: به دلیل صعب‌العبوربودن منطقه و عملیات امنیتی، دسترسی به مناطق زلزله‌زده مشکل و ارتباطات ضعیف است. همچنین نگرانی درباره وضعیت رفاه و امنیت کودکان رو به افزایش است. به گفته مقامات، کانون این زمین‌لرزه ولایت بدخشان افغانستان بوده که به بسیاری از مسیرهای ارتباطی آن آسیب رسیده است. همچنین کمک‌رسانی از طریق هوایی یکی از مؤثرترین روش‌های دسترسی به افراد نیازمند به کمک است اما آغاز چنین عملیاتی به‌نظر درحال‌حاضر امکان‌پذیر نیست. این زمین‌لرزه روز دوشنبه رخ داد و ۴۵ ثانیه به طول انجامید که در نتیجه آن مناطق زلزله‌زده با قطع برق روبه‌رو شدند. مقامات اعلام کردند در پاکستان بیش از هزارو ۶۰۰ نفر مجروح و بیش از چهار هزار خانه تخریب شده است. همچنین اگرچه عملیات کمک‌رسانی به افراد بی‌خانمان در حال انجام است، رسانه‌های پاکستانی گزارش کردند دست‌کم پنج هزار نفر از ساکنان چندین روستا در منطقه‌ای دورافتاده همچنان آواره و بی‌سرپناه هستند و امکان امدادرسانی به آنان وجود ندارد. همچنین در افغانستان این زمین‌لرزه به تخریب بیش از هفت‌هزارو ۶۰۰ خانه منجر شده است.

زن میان‌سال در دادگاه:

از قتل پشیمان هستم

شرق: وکیل‌مدافع زنی که متهم است با کشاندن یکی از همکارانش به خانه، او را به قتل رسانده و جسدش را مثله کرده، مدعی شد متهم دارای اختلال شخصیت است. به گزارش خبرنگار ما، متهم که زنی ۵۶ساله به نام صنوبر است، پنج سال قبل مردی را که از همکارانش بود، به خانه کشاند و او را بعد از مشاجره به قتل رساند. این زن دو سال بعد از قتل به جرم خود اعتراف کرد و گفت چون نمی‌خواست با این مرد ازدواج کند تصمیم به قتل او گرفت. این زن گفت: وقتی ۱۷ساله بودم از لای کتاب درسی‌ام اعلامیه‌ای که مربوط به سازمان منافقین بود پیدا کردند و همان هم باعث شد زندانی شوم و زندگی‌ام تحت‌تأثیر این اعلامیه از بین رفت، بعد از آزادی ازدواج نکردم. در این سال‌ها خودم کار می‌کردم و هزینه زندگی‌ام را تأمین می‌کردم. در کار ساخت‌وساز بودم و زندگی موفقی داشتم. در این سال‌ها با مردی آشنا شدم که خیلی مرد خوبی بود و با هم کار می‌کردیم. زن صیغه‌ای او بودم. همسر اولش خبر نداشت من هم در زندگی آنها هستم. ما شرکتی داشتیم که وام‌های کلان می‌گرفتیم و ساخت‌وساز می‌کردیم. برای اینکه وام بگیریم نیاز به سند داشتیم فرزاد (مقتول) هم جزء کسانی بود که برای ما سند می‌آورد. او هم با زنی به نام میترا ازدواج صیغه‌ای کرده بود میترا از فرزاد خیلی ناراحت بود و می‌گفت اذیتش می‌کند. بعد از مدتی از هم جدا شدند این‌بار فرزاد سراغ من آمد و گفت می‌خواهد با من ازدواج کند. گفتم من و همسرم زندگی خوبی داریم و من نمی‌خواهم او را از دست دهم اما فرزاد دست‌بردار نبود تا اینکه او را به خانه‌ام دعوت کردم. گفتم بیا با هم صحبت کنیم. به او گفتم باید به من دست‌نوشته‌ای بدهی که همه هزینه‌های زندگی‌ام را تأمین و خانه هم برایم تهیه می‌کنی و هرچه پول بخواهم، می‌دهی. در این صورت از شوهر صیغه‌ای‌ام جدا می‌شوم و با تو ازدواج می‌کنم. قبول نکرد اما گفت حالا که به حرفم گوش نمی‌دهی، باید با من رابطه داشته باشی. به سمت من حمله کرد و من با چکش ضربه‌ای به سرش زدم و بعد که فوت شد جسدش را مثله کردم و هر تکه‌اش را به گوشه‌ای انداختم. متهم ادامه داد: او قصد تعرض به من را داشت وگرنه این کار را نمی‌کردم. روز گذشته آخرین جلسه رسیدگی به پرونده اتهامی این زن در شعبه چهار، تشکیل شد. او یک‌بار دیگر پشت تریبون قرار گرفت و به اتهام خود اقرار کرد و گفت: از کارم پشیمان هستم و دفاعی از خودم ندارم. این در حالی بود که اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کرده بودند. وقتی نوبت به وکیل‌مدافع متهم رسید، او گفت: موکل من بنابر نظر متخصصان، اختلال شخصیت خودشیفته دارد و گفته‌ها و رفتارهایش با دیگران هم، همین مسئله را نشان می‌دهد. او در طول عمرش تلاش کرده نظر دیگران را به خودش جلب کند و درباره اتهاماتی که به دیگران وارد کرده، هم باید بگویم در راستای همین اختلالی است که او دارد و درباره قتل هم درخواست دارم با توجه به اختلال شخصیت متهم، دادگاه هنگام صدور حکم، این مسئله را در نظر گیرد. هیأت قضات با پایان جلسه رسیدگی برای صدور رأی دادگاه وارد شور شوند.

عکس روز

شرق: گروه نجات آتش‌نشانی تهران، دو کارگر افغان را که در چاهی به عمق ۵۰ متر گرفتار شده بودند از مرگ نجات داد. در این حادثه یک کارگر افغان در چاهی به عمق ۵۰ متر در کارخانه‌ای در جاده تهران-قم مشغول کار بود که به علت بروز نقص بالابر و پاره‌شدن طناب به انتهای چاه آب سقوط و یک کارگر دیگر هم که برای نجات کارگر اول اقدام کرده بود در چاه گرفتار شد. در این حادثه نجاتگر تهرانی، بلافاصله با به‌کارگیری تجهیزات انفرادی وارد چاه شد و هر دو نفر را پس از فیکس‌کردن به سطح زمین منتقل کرد. کارگر اول که از ناحیه کمر و پا دچار مصدومیت شده بود، تحویل امدادگران اورژانس شد و حال عمومی نفر دوم نیز مساعد اعلام شد.